یادداشت

ساختار سیاسی ایران از چه مشکلاتی رنج می‌برد؟

مهران صولتی
جامعه‌شناس سیاسی

در ایران امروز ما وارث ساختارهای معیوب و به‌جا مانده از یک گذشته تاریخی هستیم. در این مدت اگرچه ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دلیل پاره‌ای فشارهای خارجی، تکنولوژیک، امنیتی و انقلابی مجبور به عقب‌نشینی‌هایی شده‌اند ولی به دلیل آنکه با عزمی درونی مبتنی بر یک خودآگاهی انتقادی جهت روزآمد شدن با تحولات داخلی و جهانی مواجه نبوده‌اند همچنان متصلب، شکننده و بازدارنده باقی مانده‌اند. در این میان اگرچه ساختار سیاسی نقش پیشران سایر عرصه‌ها را بر عهده داشته ولی نتوانسته با اصلاح درونی خود سایر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از گرفتار آمدن در بحران‌های درونی و بیرونی بازدارد. به طور خلاصه امروزه ساختار سیاسی ایران از مشکلاتی رنج می‌برد که برخی از آنها را می‌توان به صورت زیر فهرست کرد: شخصی بودن ساختار سیاسی: ساختار سیاسی ایران به جای اتکا بر رویه‌ها، همچنان متکی بر اشخاص است. لذا سلیقه‌ها، تشخیص‌ها و برداشت‌های فردی نقش زیادی در تصمیم‌گیری‌های کلان ایفا می‌کنند. به طور مثال نقش آیت‌ا... جنتی به عنوان دبیر شورای نگهبان در تایید صلاحیت نامزدها یا کلیت یک انتخابات همچنان مهم و بی‌بدیل است. شخصی شدن ساختار سیاسی ایران نه‌تنها خروجی تصمیم‌های آن را موقتی و بی‌ثبات ساخته؛ بلکه فرآیند تصمیم‌گیری درآن را برای تحلیلگران و نیروهای سیاسی کوتاه مدت و پیش‌بینی‌ناپذیر کرده است! فقدان رابطه پویا و متقابل با جامعه: ساختار سیاسی در ایران باید متاثر از تحولات جهان و جامعه در جهت اصلاح یا جایگزینی مداوم رویکردهای خود حرکت کند؛ حال آنکه تاکنون بیشتر در راستای کنترل و شکل دادن به جامعه عمل کرده است. به‌طور مثال این ساختار همچنان به‌جای هماهنگی با تحولات اطلاعاتی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ناشی از گسترش فرآیند جهانی شدن، بیشتر به دنبال نفی و انکار چنین تغییراتی بوده است! پیرسالاری نهادینه شده: ساختار سیاسی ایران پس از گذشت چهاردهه، همچنان از وجود نوعی پیرسالاری نهادینه شده رنج می‌برد. چرخش نخبگان در نهادهای قدرت به کندی صورت می‌گیرد و به علت فقدان فعالیت کارآمد احزاب، کادرسازی برای مسئولیت‌های سیاسی ابتر و ناقص مانده است. عنصر وفاداری و اعتماد همچنان مهمترین معیار در انتخاب‌ها به شمار رفته و اهتمام اصلی نظم سیاسی به‌جای بهبود کیفیت، معطوف به تداوم بقا شده است! فقدان اجماع برای تصمیم‌گیری بهنگام: تجربه چهار دهه گذشته نشان داده است که نظم سیاسی تنها زمانی تصمیمی کلیدی و بزرگ گرفته است که کارد به استخوان رسیده و گزینه دیگری متصور نبوده است. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و توافق برجام نشان داده تصمیم‌های مهم همچنان به صورت دیرهنگام اتخاذ می‌شوند. شاید گره خوردن برخی از این تصمیم‌ها با آموزه‌های ملی (حیثیتی شدن موضوع) را بتوان به عنوان عاملی بازدارنده تلقی کرد که می‌تواند عرصه مانور سیاستمداران ایرانی را بر سر تغییر تصمیم اولیه خود با محدودیت مواجه سازد!

نکته پایانی: از آنجا که بهبود حکمرانی در ایران منوط به اتخاذ تصمیم‌هایی سخت از سوی نظام سیاسی است، چاره‌اندیشی درباره مشکلات ساختار سیاسی و حرکت به سوی نوعی اجماع کلان بر سر رفع آنها می‌تواند گام نخست در رفع بسیاری از نارسایی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تلقی شود!

دیدگاه

عید فقرا کی فرا می‌رسد؟

ادمه از صفحه۱ متاسفانه برخی از کاندیداهای ریاست‌جمهوری با مشی اصولگرایانه در تبلیغات زودرس خود همه معضلات موجود خصوصا گرانی و تورم را به ضعف مدیریت‌ها نسبت می‌دهند و چنین وانمود می‌کنند که جامعه ما نیازمند مدیران قهرمان است تا ظهور کنند و احتمالا یک‌شبه همه موانع را از سر راه بردارند! البته جامعه ما مدیریت‌های اصولگرا خصوصا در دولت‌های نهم و دهم و شهرداری تهران را دیده‌اند و هم‌اکنون هم جهت‌گیری‌های آنها را در مجلس می‌بینند ولی خوب است آقایان از همین ابتدا به این سوال اساسی پاسخ دهند که چگونه می‌خواهند فقر را از جامعه برکنند درحالی که اقتصاد ما در محاصره تحریم‌هاست؟ بدون ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری آن هم از راه تجربه‌شده‌اش در دنیا آیا امکان جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی وجود دارد؟ وقتی ما دائما با دنیا به‌تندی کلنجار می‌رویم کدام سرمایه‌گذار عاقل وجود دارد که بیاید و در کشور ما سرمایه‌گذاری قابل توجه انجام دهد؟ از نظر مشهور اقتصاددانان مشکل اقتصاد کشور دقیقا همینجاست. ما هنوز در مبادلات مالی و بانکی با دنیا به‌خاطر نپیوستن به FATF با مشکل جدی مواجه هستیم پس چگونه می‌توانیم به جذب سرمایه بپردازیم و از طریق آن اشتغال مولد ایجاد کنیم و ریشه‌های فقر را از این طریق بخشکانیم؟ درواقع تا زمانی که به این سوال‌ها به صورت جدی و واقعی پاسخ داده نشود همه حرف‌های دیگر شعار است و نشان می‌دهد که در تصور برخی از آقایان بهترین الگو همان اقتصاد صدقه‌ای است! اقتصادی که صداوسیما هم همه شب به تبلیغ آن می‌پردازد و با افتخار نشان می‌دهد که در خانه مستمندان را می‌زنند و چند کیلو برنج و روغن و شکر تحویل می‌دهند! آری این روزها فقرا که بسیاری از آنها از چشم مسئولان غایب هستند روزهای سختی را می‌گذرانند، آنان برخلاف تصورات رایج متوجه اوضاع هستند و می‌دانند که چاره دردهایشان هرچه باشد شعارهای پرطمطراق نیست. فقرا کارگران امنیت و حقوق مکفی و بازنشستگان مستمری عادلانه و بدون تبعیض می‌خواهند. عید فقرا وقتی فرا می‌رسد که از طریق ثبات و تعادل، رونق اقتصادی فراهم شود و همواره استمرار داشته باشد.

سیدرضا اکرمی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

نتیجه انتخابات ۱۴۰۰ را بودن یا نبودن شرایط رقابت تعیین می‌کند

انحصارگرایی مناسبات اجتماعی را به هم ریخته است

مسئولان در مسابقه فرافکنی قرار گرفته‌اند

نباید برای جامعه تکلیف تعیین کرد

بدون رقابت، انتخابات معنایی ندارد

دوران شعار درمانی و گفتار درمانی به سر آمده است

راه‌حل مقابله با بایدن تکیه بر توانایی‌های داخلی است

باید انتخابات را از حالت موجی خارج کنیم

حضور نظامیان باید به بالندگی انتخابات کمک کند

آرمان ملی - احسان انصاری: انتخابات ریاست‌جمهوری آینده در وضعیتی استثنایی به صورت مستقیم به شرایط معیشتی مردم گره خورده است. این در حالی است که جریان‌های سیاسی هنوز هیچ برنامه اقتصادی کاربردی را برای حل مشکلات معیشتی مردم ارائه نکرده‌اند و تنها با رویکرد سیاسی وارد کارزار انتخاباتی شده است. به همین دلیل نیز به نظر می‌رسد اگر دغدغه‌های مردم در فضای انتخاباتی مطرح نشود احتمال اینکه مردم نسبت به دغدغه‌های سیاسی جریان‌های سیاسی بی توجه باشند وجود دارد. از سوی دیگر حضور نظامیان در انتخابات آینده نسبت به گذشته افزایش داشته است؛ اتفاقی که می‌تواند در سرنوشت نسل‌های بعدی تعیین‌کننده باشد. به همین دلیل و برای تحلیل و بررسی این موضوع «آرمان ملی» با حجت‌الاسلام سیدرضا اکرمی، عضو جامعه روحانیت مبارز و نماینده پنج دوره مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کرده است. حجت‌الاسلام اکرمی معتقد است: «با گفتار درمانی و شعار درمانی مشکلات کشور حل نمی‌شود. مشکلات کشور نیاز به عمل درمانی دارد. امروز مهمترین مشکلات مردم مسائل اقتصادی است. در مرحله نخست باید مشکلات معیشتی مردم را به دو قسمت تقسیم کرد. بخش نخست مربوط به مشکلات خارجی است که عمدتا نیز به واردات و صادارت بازمی‌گردد و بخش دوم نیز به سوءمدیریت‌های داخل کشور ارتباط پیدا می‌کند. نباید همه مشکلات معیشتی را به رویکرد سیاست خارجی کشور گره زد؛ بلکه باید واقع‌بینانه به قضیه نگاه کرد. ما باید این نکته را بپذیریم که در درون کشور استعدادها و ظرفیت‌های زیادی وجود دارد که هنوز نتوانسته‌ایم به خوبی از آنها استفاده کنیم». در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

افراد مختلفی در حال فراهم کردن زمینه برای حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری هستند. آیا به نظر شما از بین افرادی که تاکنون خود را به عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری مطرح کرده‌اند کسانی هستند که بتوانند مشکلات و چالش‌های کشور را حل کنند؟

به دلیل فقدان احزاب و تشکل‌های سازمان‌یافته در کشور شرایط انتخابات به شکلی نیست که کاندیداها با برنامه وارد انتخابات شوند. به همین دلیل اغلب انتخاباتی که ما تاکنون برگزار کرده‌ایم شکل فصلی و موجی دارد. تنها در نزدیکی زمان انتخابات افراد به صحنه می‌آیند و خود را به عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری مطرح می‌کنند. این در حالی است که اگر کاندیدای ریاست‌جمهوری به وسیله احزاب و با برنامه به جامعه معرفی می‌شدند انتخابات از شکل فصلی و موجی خارج می‌شد و شکل واقعی‌تر و جدی‌تری به خود می‌گرفت. نکته دیگر اینکه هنوز نمی‌توان درباره نتیجه انتخابات و فضایی که قرار است در انتخابات شکل بگیرد، اظهارنظر کرد. بهترین حالت این است که صبر کنیم افراد مختلف در انتخابات ثبت‌نام کنند و پس از آن نتیجه تأییدصلاحیت‌ها نیز مشخص شود. در چنین صورتی می‌توان درباره فضای انتخابات تحلیل ارائه کرد. در شرایط کنونی در فضای رسانه‌ای کشور گمانه‌زنی‌های زیادی درباره حضور افراد مختلف در انتخابات به گوش می‌رسد. این در حالی است که بسیاری از این مسائل تنها در حد گمانه‌زنی است و شکل واقعیت ندارد و به احتمال زیاد نیز شکل واقعیت به خود نخواهد گرفت. در شرایط کنونی نام افرادی برای حضور در انتخابات مطرح می‌شود که بارها عنوان کرده‌اند قصد ندارند در انتخابات کاندیدا شوند. با این وجود نام آنها هر روز در رسانه‌های مختلف به عنوان گزینه احتمالی مطرح می‌شود. نکته دیگر اینکه نقش شورای نگهبان در نتیجه انتخابات بسیار حایز اهمیت است. در دوره‌های گذشته نیز شاهد بودیم افراد زیادی در انتخابات ثبت‌نام کردند اما در نهایت توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند. اغلب این افراد نیز در فضای رسانه‌ای دارای هوادارانی بودند و قبل از انتخابات درباره حضور آنها گمانه‌زنی‌های زیادی صورت می‌گرفت. نکته دیگر اینکه انتخابات آینده ریاست‌جمهوری از یک جنبه دارای شرایط خاص است و آن نیز اپیدمی کرونا است که اغلب کشورهای جهان را درگیر کرده و هزینه‌های زیادی برای مردم جهان ایجاد کرده است. به همین دلیل در شرایطی که وضعیت برای برگزاری جلسات و میتینگ‌های سیاسی فراهم نیست باید از طریق شبکه‌های اجتماعی در زمینه انتخابات آگاهی‌رسانی صورت گیرد. نباید درباره انتخابات آینده عجله کرد. در شرایط کنونی رسانه‌ها نام برخی افراد را مطرح می‌کنند که هنگامی که ما از آنها در این باره سوال می‌کنیم عنوان می‌کنند هیچ قصدی برای حضور در انتخابات ندارند. به همین دلیل باید منتظر ماند و دید که چه کسانی درنهایت وارد کارزار انتخاباتی خواهند شد؛ آیا افراد جدیدی خواهند بود یا اینکه از بین گزینه‌های گذشته رئیس‌جمهور کشور انتخاب خواهد شد. آن چیزی که در انتخابات ۱۴۰۰ مورد نیاز است، «رقابت» است. این در حالی است که بدون رقابت اصلا شرایط برای برگزاری انتخابات فراهم نخواهد بود.

اصلاح‌طلبان مانند اصولگرایان دارای گزینه خواهند بود و شرایط به شکلی نیست که از جریان اصلاحات کسی تأیید صلاحیت نخواهد شد. در انتخابات گذشته نیز وضعیت به همین صورت بوده که جریان‌های سیاسی در انتخابات نماینده داشته‌اند

در شرایط کنونی اصولگرایان با تعدد کاندیدا برای حضور در انتخابات مواجه هستند. این در حالی است که یکی از مهمترین چالش‌های جریان اصلاحات عبور یا عدم‌عبور گزینه‌ای این جریان از کانال نهادهای نظارتی است. این شرایط نابرابر چه تأثیری در روند انتخابات آینده خواهد گذاشت؟

در مرحله نخست باید منتظر ماند و دید که آیا این گمانه‌زنی صحیح است یا خیر. یعنی شورای نگهبان به شکلی عمل خواهد کرد که یک جریان گزینه‌های زیادی داشته باشد و از سوی دیگر جریان اصلاحات با محدودیت مواجه باشد. این مسأله‌ای است که گذشت زمان شرایط آن را مشخص خواهد کرد. بنده اعتقاد دارم اصلاح‌طلبان نیز مانند اصولگرایان دارای گزینه خواهند بود و شرایط به شکلی نیست که از جریان اصلاحات کسی تأییدصلاحیت نشود. در انتخابات گذشته نیز وضعیت به همین صورت بوده که جریان‌های سیاسی در انتخابات نماینده داشته‌اند. این وضعیت در انتخابات آینده نیز وجود خواهد داشت و گزینه‌های هر دو جریان سیاسی در انتخابات حضور خواهند داشت. اینکه از هر جریان سیاسی چه تعداد در انتخابات حضور خواهند داشت هنوز مشخص نیست اما قطعا از هر دو جریان کاندیدا در انتخابات وجود دارد. باید منتظر ماند و دید خروجی شورای نگهبان در این زمینه چه خواهد بود و چه تصمیمی درباره کسانی که ثبت‌نام می‌کنند خواهند گرفت.

به نظر می‌رسد حضور نظامیان در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری نسبت به گذشته بیشتر باشد. به نظر شما افزایش حضور نظامیان در انتخابات، که شانس آنها را در انتخابات افزایش می‌دهد، چه پیامدهایی برای کشور به همراه خواهد داشت؟

در این زمینه باید به چند نکته توجه کرد. نخست اینکه تا زمانی که یک نظامی در کسوت نظامی‌گری قرار دارد، نمی‌تواند وارد رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری شود و باید از سمت خود استعفا دهد. با این وجود به محض اینکه از سمت خود استعفا داد دیگر نظامی نخواهد بود و به عنوان یک شخص مانند اشخاص دیگر در انتخابات حضور خواهد داشت. چنین فردی دارای سابقه نظامی است اما دیگر یک فرد نظامی قلمداد نخواهد شد. در انتخابات گذشته نیز افرادی مانند آقای رضایی و قالیباف حضور داشتند که در گذشته نظامی بوده‌اند. حتی نیروهای امنیتی مانند آقای ری‌شهری و فلاحیان نیز در گذشته کاندیدای ریاست‌جمهوری بوده‌اند. بدون‌تردید اگر حضور نظامیان در انتخابات به رقابت انتخاباتی کمک کند و سبب بالندگی فضای انتخابات شود مفید خواهد بود؛ در غیر این صورت نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. برخی عنوان می‌کنند حضرت امام در وصیتنامه خود به نظامیان توصیه کرده در سیاست مداخله نکنند. این در حالی است که این دیدگاه متعلق به چند دهه پیش است. شرایط امروز کشور با گذشته تفاوت کرده است. امروز کشور در شرایط خاصی قرار دارد و ما نیز دارای تجربه‌های زیادی در این زمینه هستیم. به هر حال افرادی مانند آقای رضایی و قالیباف در گذشته در انتخابات حضور داشته‌اند و اتفاق خاصی نیز رخ نداده است. به همین دلیل باید اجازه دارد تا بهترین و شایسته‌ترین افراد در انتخابات حضور پیدا کنند. نکته دیگری که باید در نظر گرفت این است که آیا هنوز این نیاز در جامعه و فضای سیاسی احساس نشده که باید شفاف‌تر درباره مسائل صحبت کنیم؟ در قانون اساسی به رجل سیاسی اشاره شده است. این در حالی است که هنوز ماهیت و محتوای دقیق رجل سیاسی مشخص نشده و همچنان گمانه‌زنی‌های زیادی درباره این موضوع وجود دارد. حتی درباره مدیر و مدبر بودن نیز ما هنوز وارد جزئیات نشده‌ایم و شورای نگهبان هنوز به صورت دقیق وارد مصادیق نشده است. باید شفافیت بیشتری برای این گونه مسائل داشته باشیم. این در حالی است که ما در گذشته شفاف نبوده‌ایم. امروز ضرورت شفافیت برای جامعه وجود دارد. نکته دیگر اینکه در موضوع ریاست‌جمهوری تنها قانون دارای اهمیت نیست؛ بلکه نگاه و بینش مردم نیز دارای اهمیت است. امروز مسأله اصلی این است که آیا مردم نسبت به انتخابات آینده اقبال نشان خواهند داد یا خیر. انتخابات مجلس یازدهم نشان داد میزان مشارکت مردم در پایین‌ترین حد خود قرار داشت و مردم اقبال خوبی نسبت به انتخابات نداشتند. باید واقعیت‌های جامعه را در نظر گرفت. باید از وضعیتی که امروز در کشور رخ داده نگران بود و برای آن راه‌حل پیدا کرد. وضعیت جامعه به شکلی شده که هر فردی براساس سلیقه‌ای که دارد برای دیگران تعیین تکلیف می‌کند و اجناس را گران می‌کند. هنگامی که واقعیت‌های جامعه را مورد توجه قرار ندادیم حتی اگر بهترین قانون هم نوشته شود وضعیت تغییری نخواهد کرد.

تا زمانی که یک نظامی در کسوت نظامی‌گری قرار دارد نمی‌تواند وارد رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری شود و باید از سمت خود استعفا دهد. با این وجود به محض اینکه از سمت خود استعفا داد دیگر نظامی نخواهد بود و به عنوان یک شخص مانند اشخاص دیگر در انتخابات حضور خواهد داشت. چنین فردی دارای سابقه نظامی است اما دیگر یک فرد نظامی قلمداد نخواهد شد

در شرایط کنونی مهمترین دغدغه مردم مشکلات معیشتی است. این در حالی است که هنوز هیچ برنامه‌ای از سوی جریان‌های سیاسی برای حل این مشکلات ارائه نشده است. با توجه به اینکه انتخابات آینده در یک وضعیت استثنایی ارتباط مستقیمی با وضعیت معیشت مردم دارد کاندیدای انتخاباتی باید با چه رویکردی وارد رقابت‌های انتخاباتی شود؟

موضوع گرانی همواره در کشور مطرح بوده است. بنده به خاطر دارم در دهه شصت نیز یکی از مهمترین مشکلات کشور گرانی و تورم بوده و به همین دلیل تصمیمات زیادی در این باره گرفته شده است. شکال اساسی در این زمینه این است که اقتصاد ایران از یک طرف دولتی است و ازطرف دیگر متکی به نفت است. این در حالی است که باید بخش خصوصی در زمینه اقتصادی فعالیت بیشتری داشته باشد و مدیریت کار را به دست گیرد. در چنین شرایطی نیز دولت باید وظیفه نظارتی داشته باشد. در شرایط کنونی نیز ما با دو بحران تحریم و کرونا مواجه هستیم که هر کدام در اقتصاد کشور تأثیر منفی گذاشته است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد باید مردم را به صحنه بیاوریم و با کمک مردم مشکل اقتصادی را حل کنیم. در حال حاضر مردم با شرایط سختی زندگی خود را می‌گذرانند. این در حالی است که انصاف نیز از بین رفته است. باید مشخص شود چرا برخی کالاها به یک‌باره قیمت نجومی پیدا می‌کند و چه دست‌هایی پشت پرده وجود دارد. به عنوان مثال چرا به یک‌باره قیمت خودرو در کشور به شدت افزایش پیدا می‌کند و مناسبات اقتصادی جامعه را به هم می‌ریزد. باید دلیل این مسائل مشخص شود و نتایج آن به مردم ارائه شود. بدون‌شک یکی از دلایل اصلی این اتفاقات انحصارگرایی است. در شرایط کنونی کشور با بحران کرونا مواجه شده که هزینه‌های زیادی به دولت تحمیل کرده است. این وضعیت در همه کشورهای جهان وجود داشته است. با این وجود مشکلات ایران به دلیل تحریم‌های بین‌المللی تا حدود زیادی با کشورهای دیگر متفاوت بوده است. در چنین شرایطی مسئولان کشور و به خصوص مجلس و دولت باید به جای اینکه پشت سر هم حرف بزنند رودررو با هم گفت‌وگو کنند و به نتیجه منطقی دست پیدا کنند. چشم‌انداز و مسئولیت‌هایی که امروز در مقابل نمایندگان مجلس وجود دارد با زمانی که ما در مجلس حضور داشتیم از بسیاری جهات متفاوت است. در شرایط کنونی مهمترین مشکلات کشور کرونا، تحریم‌های بین‌المللی و همچنین مشکلات اقتصادی مردم است. امروز ما نمی‌توانیم نفت صادر کنیم و با درآمد آن مسائل اقتصادی داخلی کشور را ساماندهی کنیم.

نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران چه تأثیری در معادلات سیاسی بین ایران و آمریکا خواهد گذاشت؟

ما باید مسائل کشور را به دو بخش تقسیم کنیم. برخی مسائل سیاسی هستند که باید توسط شورای عالی امنیت ملی ساماندهی شوند. بخش دیگر که به مسائل داخلی ارتباط پیدا می‌کند باید توسط نهادهای مربوطه انجام شود و به نتیجه مطلوب برسد. امروز ما در وضعیت جنگ اقتصادی قرار داریم و باید همه‌جوانب را در نظر بگیریم. ما باید در مرحله نخست به ظرفیت‌ها و توانایی‌های داخلی خودمان تکیه کنیم و در مرحله بعد به تغییر سیاست‌ها در کشورهایی مانند آمریکا توجه کنیم. هنگامی که ما در سال گذشته حدود ۱۸ میلیون تن مواد دورریز داشته‌ایم چگونه می‌توانیم به بیرون از کشور نگاه کنیم. در زمینه مصرف نیز ما در وضعیت مناسبی قرار نداریم و نسبت به کشورهای دیگر جهان مصرف زیادتری داریم. ما نمی‌توانیم شعار مرگ بر آمریکا بدهیم اما میزان واردات‌مان روزبه‌روز افزایش پیدا کند. ما باید رفتار و سیاست‌های خود را تغییر بدهیم. اگر توانایی‌های داخلی خود را افزایش بدهیم و به آنها تکیه کنیم هیچ کشوری در جهان نمی‌تواند ما را تحت‌فشار قرار دهد. اگر ما زیر پای خود را محکم کنیم می‌توانیم در مقابل بایدن یا هر رئیس‌جمهوری دیگری از منافع خود دفاع کنیم در غیر این صورت با مشکلات بیشتری مواجه خواهیم شد. نکته دیگر اینکه ما در کشور با چالش بزرگ فرافکنی مسئولان مواجه هستیم که تاکنون نیز مرتفع نشده است. به عنوان مثال هنگامی که قیمت یک کالا افزایش پیدا می‌کند کسی به دنبال دلیل آن نیست که آیا عرضه آن کالا کاهش پیدا کرده یا اینکه برخی افراد سودجویی می‌کنند. از سوی دیگر با بلای مصرف در کشور مواجه هستیم. برخی از افراد و خانواده‌ها در مصرف کالاها اسراف می‌کنند. این اسراف در زمینه‌های مختلف نیز وجود دارد. در چنین شرایطی مسئولان نیز فرافکنی می‌کنند و به جای اینکه به دنبال راه‌حل باشند یکدیگر را مقصر معرفی می‌کنند. قانون باید در این زمینه فصل‌الخطاب باشد. همه مسئولان باید براساس قانون عمل کنند. در چنین شرایطی است که می‌توان به حل مشکلات کشور امیدوار بود. امروز کشور با مشکلات مختلف داخلی و خارجی مواجه است. به همین دلیل مسئولان باید بیش از آنکه به دنبال فرافکنی و متهم کردن یکدیگر باشند با وحدت رویه عمل کنند تا این مشکلات کاهش پیدا کند. با گفتار درمانی و شعار درمانی مشکلات کشور حل نمی‌شود. دوران گفتار درمانی و شعار درمانی به سر آمده است. مشکلات کشور نیاز به عمل درمانی دارد. امروز مهمترین مشکلات مردم کشور مسائل اقتصادی است. در مرحله نخست باید مشکلات معیشتی مردم را به دو قسمت تقسیم کرد. بخش نخست مربوط به مشکلات خارجی است که عمدتا نیز به واردات و صادارت بازمی‌گردد و بخش دوم نیز به سوء مدیریت‌های داخل کشور ارتباط پیدا می‌کند. نباید همه مشکلات معیشتی را به رویکرد سیاست خارجی کشور گره زد؛ بلکه باید واقع‌بینانه به قضیه نگاه کرد. ما باید این نکته را بپذیریم که در درون کشور استعدادها و ظرفیت‌های زیادی وجود دارد که هنوز نتوانسته‌ایم به خوبی از آنها استفاده کنیم.

جستار

ادامه بیم و امیدهای آمدن رئیسی

روزهای آخر سال در اردوگاه اصولگرایان

با مشارکت حداقلی نظامی‌ها پیروزند

موضوع حضور چهره‌های نظامی در انتخابات ریاست‌جمهوری گرچه بحث تازه‌ای نیست؛ اما در ماه‌های اخیر بار دیگر به صدر تحلیل‌ها و خبرهای رسانه‌ها و محافل سیاسی بازگشته و اماواگرهایی ایجاد کرده است. این تحلیل‌ها با اعلام نامزدی رسمی سردار «حسین دهقان» در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده آغاز شده و با اعلام نامزدی غیررسمی سردار «سعید محمد»، فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) سپاه تداوم پیدا کرده است. نامزدی نظامیان در انتخابات ریاست‌جمهوری با توجه به توصیه و تاکید بنیانگذار انقلاب اسلامی مبنی‌بر عدم‌دخالت گروه‌ها و چهره‌های نظامی در سیاست، همواره با تردیدهایی روبه‌رو بوده اما این روزها حسین دهقان در توضیح و تحلیل حضور خود یا دیگر نظامیان در انتخابات ۱۴۰۰، این حضور را حق شهروندی خود دانسته و در توییتی تصریح کرده است: «همانگونه که رای‌دادن نظامیان، حق شهروندی آنها محسوب می‌شود، نامزدشدن فرد نظامی در هر انتخاباتی هم حق شهروندی اوست.» با توجه به اظهارات هفته‌های گذشته اصولگرایان می‌توان گفت آن‌ها این حضور را نه‌تنها دارای شائبه نمی‌دانند بلکه عرصه‌ای برای نشان دادن قابلیت‌های نظامیان هم توصیف می‌کنند. «عباس سلیمی‌نمین» از آن دسته بوده و گفته است: «بحث ما روی کار آمدن یک نظامی نیست، بلکه همه قابلیت‌ها مطرح است. سوال این است آیا قانون هم اجازه می‌دهد یک نظامی نامزد شود؟ بله، می‌تواند، اما به‌عنوان نظامی می‌آید یا به‌عنوان یک فرد حضور می‌یابد؟ پاسخ این است که خیر، به‌عنوان یک قابلیت می‌آید که این قابلیت می‌تواند پزشکی یا مهندسی یا نظامی باشد.» موضوع رای‌آوری کاندیداهای نظامی هم مورد توجه چهره‌های سیاسی و تحلیلگران است. «تقی آزادارمکی»، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس معتقد است اگر مشارکت حداقلی باشد نظامی‌ها حتما پیروز انتخابات خواهند بود؛ اما اگر مشارکت حداکثری باشد، شانسی برای نظامیان وجود ندارد. «علی مطهری» از فعالان سیاسی اصولگرا هم ریاست‌جمهوری نظامیان را مورد اقبال مردم ندانسته و درباره دلایل این عدم‌اقبال گفته است: «دلیلش روشن است؛ یک نظامی کارش نظامی‌گری است، کارش ورود در عالم سیاست نیست. هرکسی باید کار خود را انجام دهد.» این دیدگاه اما از سوی «ابراهیم فیاض» تحلیلگر اصولگرا رد شده و این جامعه‌شناس تاکید می‌کند که جامعه ایران آمادگی پذیرش کاندیدای نظامی را دارد. «مصطفی هاشمی‌طبا» و «محمدرضا خباز»، دو فعال سیاسی اصلاح‌طلبی هستند که حضور نظامیان در انتخابات را مسبوق‌به‌سابقه می‌دانند و شواهد ۶ دوره انتخابات ریاست‌جمهوری هم نشان می‌دهد که حضور نظامیان اصولگرا در انتخابات ریاست‌جمهوری تنها مختص و محدود به این دوره نیست و «محسن رضایی» و «محمدباقر قالیباف»، از چهره‌های اصولگرا با سوابق نظامی هستند که هم پیش از این در سیاست ایران نقش‌آفرینی کردند و هم پس از این از گزینه‌های بالقوه انتخابات آینده هستند. اینکه اما تا چه اندازه می‌توانند اعتماد جامعه را جلب کرده و به پاستور راه یابند، علامت سوال جدی است که با توجه به جو غالب جامعه؛ نظامیان اصولگرا برای راهیابی به پاستور باید بیش از دیگر گزینه‌های همفکر و نامزدهای جریان رقیب؛ تلاش کنند.

وحدت در سایه کناره‌گیری؟

تصمیم به عدم‌کاندیداتوری محمدباقر قالیباف، اشاره‌ای بود که چند هفته پیش «محسن پیرهادی»، از نمایندگان نزدیک به رئیس مجلس اعلام کرد و دلیل آن را احتمال حضور «ابراهیم رئیسی» به عنوان نامزد اصولگرایان عنوان کرد. این اقدام گرچه هنوز قطعی به نظر نمی‌رسد اما «محمدرضا باهنر» دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری این تصمیم را در صورت قطعی شدن آن، وحدت بخش توصیف کرده و گفته است: «نگرانی ما از تعدد و تکثر نامزدهاست. به این دلیل می‌گویم اگر قالیباف یا هر داوطلب مطرح دیگری بگوید که نیست، ما استقبال می‌کنیم؛ برای اینکه اگر یکی از نامزدهای مطرح کم و فضا قدری مشخص شود، مسیر وحدت جریان اصولگرا با قدرت و سرعت بیشتری طی می‌شود.» این استقبال باهنر نشان می‌دهد که وحدت میان اصولگرایان را عواملی تهدید می‌کنند که یکی از آن‌ها تعدد نامزدهای بالقوه و حتی رسمی انتخابات آینده است. نام‌های اصولگرایی که یا خود را اصلح برای کشور می‌دانند یا گروه دیگری آن‌ها را ناجی معرفی می‌کنند؛ در صورت شمارش بیش از ۱۰ گزینه خواهند بود و با این شرایط رسیدن اجماع میان آن‌ها روزبه‌روز دشوارتر می‌شود. به ویژه آنکه شوراهای وحدت‌بخش آن‌ها هم دچار اختلافاتی هستند که همچنان در مسیر حل‌وفصل آن قرار دارند. «پرویز سروری» دبیر شورای ائتلاف نیروهای انقلاب از تداوم مذاکرات برای وحدت خبر داده؛ اما تصریح هم کرده است که هنوز اصولگرایان نزدیک به دو شورا به یک نتیجه مشخص نرسیده‌اند. «حمیدرضا ترقی» عضو شورای مرکزی حزب موتلفه هم معتقد است اساسا نیازی به ایجاد وحدت در مقطع کنونی نیست و باید منتظر ماند تا نامزدها وارد عرصه رقابت شوند. با چنین نگاهی اما اگر نصف نامزدهای احتمالی هم در اعلام حضور کنند و مصمم به ادامه کار باشند؛ اقناع آن‌ها به انصراف به نفع نامزد خاصی بسیار دشوار خواهد بود و تجربه‌ای مشابه سال ۹۲ و حتی ۹۶ برای آن‌ها تکرار خواهد شد.

ادامه بیم و امیدهای آمدن رئیسی

اصولگرایان این روزها اعلام حضور حجت‌الاسلام رئیسی به عنوان کاندیدای انتخابات را بر هر رویداد دیگری ترجیح می‌دهند، به این دلیل که در این حضور هم احتمال پیروزی را بالا می‌دانند و هم احتمال وحدت و اجماع را. درخواست‌های آنان از سوی رئیس قوه قضائیه تا به امروز به صورت تلویحی رد شده اما این به معنای انصراف آن‌ها از دعوت نسیت؛ شاید به همین دلیل است که حجت‌الاسلام «غلامرضا مصباحی‌مقدم»، سخنگوی جامعه روحانیت مبارز درباره بیم و امیدهای آمدن و نیامدن حجت‌الاسلام رئیسی گفته است: «هیچ چیز هنوز قطعی نیست و باید منتظر ماند و دید که چه پیش می‌آید». «اسدا... بادامچیان» دبیرکل حزب موتلفه هم با اشاره به اینکه نمی‌توانیم حجت‌الاسلام رئیسی را مجبور به حضور کنیم؛ تاکید کرده است که نسبت به وی تفاهم وجود دارد. باهنر هم حضور انتخاباتی رئیس قوه قضائیه را موجب جمع شدن اصولگرایان پیرامون وی دانسته و گفته است: «اگر رئیسی داوطلب شود گروه‌های اصولگرا با هم جمع می‌شوند. رئیسی سابقه ۱۶ میلیون رای دارد و موقعیت مقبولی در جامعه اصولگرایی دارد.» برای اظهارنظر قطعی درباره آینده انتخاباتی حجت‌الاسلام رئیسی زود است؛ اما شواهد نیامدن بر آمدن چیره است و همین مساله نگرانی‌های اصولگرایان را افزایش می‌دهد.